

واکنش سرمایه گذاران به چرخش اجباری حسابرس (شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)

اشکان رحیم زاده^۱، امیرحسین شفیعی^۲، فرزاد تاربودی^۳

^۱ هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

^۳ دانشجوی دکترای حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

نام نویسنده مسئول:

اشکان رحیم زاده

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر چرخش اجباری حسابرس بر واکنش سرمایه گذاران شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. برای بررسی این موضوع از اطلاعات مربوط به ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال های مالی ۱۳۹۴-۱۳۸۹ استفاده شده است. این تحقیق از نوع کاربردی و توصیفی پس رویدادی است و برای آزمون فرضیه های پژوهشی از رگرسیون چند متغیره داده های ترکیبی استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که بین حسابرس متخصص در صنعت و کیفیت اقلام تعهدی با بازده غیرعادی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و دوره تصدی حسابرس و اندازه حسابرس تأثیری بر انتظارات سرمایه گذاران و واکنش آنان به بازار سهام و در نهایت بازده غیرعادی ندارد. در انتها توصیه می شود که استفاده کنندگان گزارش های مالی، به ویژه سرمایه گذاران در هنگام تصمیم گیری بر اساس اطلاعات مندرج در صورت های مالی، در سال تغییر و دوره های پیرامون تغییر حسابرس، انگیزه های مدیریت از تغییر حسابرس را مدنظر قرار دهند.

واژگان کلیدی: چرخش اجباری حسابرس، واکنش سرمایه گذاران، بازده غیرعادی سهام.

مقدمه

بر اساس مبانی نظری گزارشگری مالی، هدف اولیه گزارشگری مالی یاری نمودن سرمایه‌گذاران در اتخاذ تصمیمات اقتصادی است. فعالان بازارهای مالی برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خود به اطلاعات مالی نیاز دارند و زمانی در یک وادی اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند که درباره آن اطلاعات کافی داشته باشند. هدف از تهیه صورت‌های مالی نیز فراهم نمودن اطلاعات در مورد وضعیت مالی، نتیجه عملکرد و جریان‌های نقدی می‌باشد. مشارکت‌کنندگان در بازار سرمایه، همیشه به دنبال اطلاعات مالی باکیفیت بوده و اطلاعات برای تأثیرگذار بودن بر تصمیمات استفاده‌کنندگان باید کیفیت لازم را داشته باشند. کیفیت اطلاعات تهیه شده به عوامل گوناگونی از قبیل به موقع بودن، بی‌طرفی، قابلیت پیش‌بینی و غیره بستگی دارد و عوامل ذکر شده مربوط بودن اطلاعات حسابداری (مانند سود هر سهم) را تحت تأثیر قرار می‌دهند [۱]. عوامل متعددی می‌تواند باعث بهبود کیفیت اطلاعات منتشر شده در صورت‌های مالی شود که نمونه‌هایی از آن عبارت است از: استانداردهای حسابداری و حسابرسی، اندازه شرکت، تعداد سهام‌دار و نوع سهام‌دار شرکت، منابعی که در اختیار شرکت و حسابرسی شرکت قرار دارد. یکی از راهبردهای مورد توصیه مراجع حرفه‌ای و بورس‌های اوراق بهادار اغلب کشورها برای حل مسئله استقلال حسابرسان و افزایش کیفیت خدمات حسابرسی، چرخش مؤسسات حسابرسی بوده است. فرآیند چرخش مؤسسات حسابرسی به معنای تغییر حسابرس پس از انجام چند دوره حسابرسی یک شرکت است که بر اساس مقررات با تصمیم مجامع عمومی آن شرکت انجام می‌شود. الزام سازمان بورس و اوراق بهادار تهران به تغییر حسابرس شرکت‌ها مسلماً ناشی از نگرانی دست‌اندرکاران و مسئولان بازار سرمایه در مورد استقلال، کیفیت حسابرسی و... است.

بخش عمده‌ای از ادبیات موجود در حوزه تحقیقات حسابداری اشاره دارند که کیفیت حسابرسی، نقشی حیاتی در کاهش مشکلات نمایندگی ایفا می‌کند. برای نمونه، کیفیت حسابرسی می‌تواند منبع اصلی سهام‌داران برای نظارت بر مدیران باشد [۲]. بنابراین، اگر کیفیت حسابرسی، مشکلات نمایندگی را کاهش دهد، می‌تواند با افزایش توانایی سهام‌داران در نظارت بر مدیران، به بهبود کارایی سرمایه‌گذاری‌ها یاری رساند زیرا افزایش توانایی سهام‌داران در نظارت بر مدیران، موجب بهبود انتخاب پروژه و کاهش هزینه‌های تأمین مالی می‌شود.

لین و همکارانش (۲۰۰۹) بر اساس یافته‌های تحقیقات تجربی‌شان نشان دادند، کیفیت حسابرسی و تغییر حسابرس اطلاعات با ارزشی در توضیح تغییرات بازده سهام در بازارهای مالی در حال توسعه می‌باشند. بازار سرمایه کشورهای در حال توسعه از کارایی بالایی برخوردار نمی‌باشد، محیط اطلاعاتی و فضای قانون‌گذاری در سطح ضعیفی قرار دارد و اغلب سرمایه‌گذاران آگاهی کافی برای تحلیل اطلاعات مالی ندارند. در این محیط توجه اصلی سرمایه‌گذار به صورت‌های مالی حسابرسی شده می‌باشد. با توجه به مطالب گفته شده در خصوص کیفیت حسابرسی و تأثیر آن بر کیفیت اطلاعات ارائه شده و همچنین تأثیری که حسابرسی می‌تواند بر وضعیت بازار و بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران داشته باشد این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا حسابرسان مستقل می‌توانند ارزش افزوده‌ای برای بازار سرمایه ایران داشته باشند. ارزش نهایی فعالیت حسابرسی در کمک به استفاده‌کننده برای تشخیص کیفیت اطلاعات دریافت شده می‌باشد، از این رو استفاده‌کنندگان اطلاعات می‌بایست صلاحیت حسابرس را پذیرفته تا به اظهار نظر او اعتماد کنند و در شرایطی که اطمینان استفاده‌کنندگان جلب نشود هدف‌های حسابرسی به صورت کامل تحقق نمی‌یابد [۳].

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

بعد از ورشکستگی شرکت‌هایی همچون انرون و ورلدکام، توجه و نظر قانون‌گذاران و نهادهای نظارتی به سوی حسابرس و چرخش آن‌ها بیشتر جلب گردید. در این ارتباط دو بخش ۲۰۳ و ۲۰۷ از قانون ساربنز آکسلی^۱ (۲۰۰۲) به موضوع منع تصدی‌گری شرکای حسابرسی به مدت بیش از ۵ سال و انجام مطالعه در خصوص چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی اختصاص یافته است. استدلال‌ها پشتوانه چرخش اجباری در دو مقوله ارتقای استقلال حسابرسان و تمرکززدایی در بازار حسابرسی است و در نقطه مقابل آن مطالعات نشان می‌دهند که این عمل نه تنها سبب بهبود کیفیت حسابرسی نشده، بلکه افزایش هزینه‌های حسابرسی را به همراه داشته است. افزایش هزینه‌ها به دلیل ضرورت کسب شواهد، شناخت در سال‌های اولیه حسابرسی و تمرکزگرایی بیشتر در بازار به علت افزایش رقابت و کمتر شدن شانس مؤسسات کوچک بوده است که این موارد سبب به خطر افتادن امنیت شغلی حسابرسان می‌شود. به عبارتی مفهوم حسابرسی اثربخش (انجام کارآمدترین حسابرسی با کمترین هزینه) مطابق با آنچه که مدنظر قوانین بوده؛ محقق نشده است [۴].

یافته‌های برخی تحقیقات نشان می‌دهد، حسابرسی با کیفیت بالا مانع از دست‌کاری ارقام تعهدی توسط مدیریت می‌شود. مدیریت شرکت برای دستیابی به سود مورد نظر از طریق دست‌کاری ارقام حسابداری ممکن است اقدام به تغییر حسابرسی با کیفیت کمتر نماید تا از اختیارات بیشتری برای دست‌کاری ارقام تعهدی و تعدیل سود قابل گزارش برخوردار باشد. همچنین در شرایطی که حسابرس گزارش‌های مردود و مشروط منتشر می‌کند، احتمال زیادی وجود دارد که مدیریت اقدام به تغییر حسابرس نماید، یعنی تغییر از حسابرس با کیفیت بالا به حسابرس

¹ Sarbanes Oxley Act

با کیفیت پائین. زیرا دریافت اظهارنظر مردود یا مشروط تأثیر منفی بر قیمت سهام شرکت داشته و تأمین وجوه موردنیاز برای فعالیت شرکت را مختل می‌کند. بنابراین، انتخاب یا تغییر حسابرس بر کیفیت حسابرسی تأثیر داشته که دیدگاه سرمایه‌گذار درباره قابلیت اتکا صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرچه کیفیت حسابرسان انتخابی شرکت کمتر باشد، قابلیت اتکا صورت‌های مالی کمتر و محتوای اطلاعاتی ارقام حسابداری گزارش شده کمتر خواهد بود. تغییر حسابرس به احتمال قوی مدیریت سود در گزارش‌های مالی و کیفیت پائین سود گزارش شده را نشان می‌دهد [۵].

شاخص‌های کیفیت حسابرسی شامل اندازه موسسه حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت، تداوم انتخاب حسابرس و کیفیت اقلام تعهدی بر کیفیت اطلاعات مؤثرند که این عوامل با توجه به تأثیری که بر شفافیت محیط گزارشگری مالی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و ارزش شرکت دارند، موجب تغییر در ریسک سرمایه‌گذاری می‌شوند. در این تحقیق تأثیر تخصص و تجربه حسابرس، تداوم انتخاب حسابرس، اندازه حسابرس و کیفیت اقلام تعهدی بر واکنش بازار بررسی می‌شود. تخصص حسابرس در صنعت شامل به وجود آوردن افکار سازنده به منظور کمک (خلق ارزش افزوده) به صاحب‌کاران، همچنین فراهم کردن دیدگاه‌ها و یا راهکارهای تازه برای برخی از موضوعاتی می‌شود که صاحب‌کاران در صنایع مربوط به خود با آن روبه‌رو می‌شوند [۶].

تحقیقات اخیر بیانگر این است که بین نوع صنعت مورد تخصص حسابرس و کیفیت گزارش حسابرسی رابطه مثبتی وجود دارد. به بیان دیگر، حسابرسانی که در صنعت موردنظر تخصص دارند به دلیل داشتن توانایی بیشتر در شناسایی و برخورد با مشکلات ویژه آن صنعت می‌توانند حسابرسی را با کیفیت بالاتری انجام دهند. افزون بر این، هر قدر مؤسسه حسابرسی تجربه بیشتری در صنعت خاصی کسب کند، به دلیل ایجاد شهرت مثبت، علاقه بیشتری به ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت برتر پیدا می‌کند [۷]. (ویلن برگ (۲۰۰۲) در تحقیق خود نشان می‌دهد به دو دلیل عمده باید یک موسسه حسابرسی در یک صنعت خاص تخصص داشته باشد. دلیل اول تأثیری است که این تخصص در ارتقای میزان اثربخشی عملیات حسابرسی دارد و دلیل دوم تأثیری است که این تخصص در افزایش میزان کارایی عملیات حسابرسی دارد [۸].

در این تحقیق، از سهم بازار به‌عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری تخصص صنعت حسابرس بهره گرفته می‌شود، زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می‌دهد. هر چه سهم بازار حسابرس بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرس نسبت به سایر رقبا بالاتر می‌باشد. داشتن سهم بالای بازار (سهم غالب بازار) همچنین به این نکته اشاره دارد که حسابرس به‌طور موفقیت‌آمیزی خودش را از سایر رقبای لحاظ کیفیت حسابرسی، متمایز می‌کند [۹]. استقلال اساس و روح حسابرسی است و حسابرسی، بدون استقلال هیچ ارزشی ندارد. اعتماد مردم و بازار سرمایه به حسابرس به واسطه استقلال وی است، لذا عوامل تهدیدکننده استقلال باید همواره مورد بررسی قرار گیرند. در این خصوص یکی از زمینه‌هایی که طی چند دهه اخیر همواره مورد بحث و بررسی قرار گرفته، مدت تصدی حسابرس است [۹].

البته کمران، (۲۰۰۵) اثر تداوم انتخاب حسابرس بر کیفیت حسابرسی را از منظر دیگری بررسی نموده است. وی استدلال می‌کند تداوم انتخاب حسابرس موجب می‌شود تا حسابرس به مرور دانش خاص بیشتری را کسب کند، که این موضوع باعث افزایش صلاحیت حرفه‌ای حسابرس و افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود [۱۰].

به‌طور کلی، در ارتباط با تأثیر کیفیت حسابرسی بر ریسک سرمایه‌گذاری استدلال می‌شود، که افزایش کیفیت حسابرسی سبب افزایش شفافیت و کیفیت افشای اطلاعات در سطح محیط اطلاعاتی شرکت می‌شود. افزایش شفافیت اطلاعاتی سبب کاهش عدم قطعیت در ارتباط با سهام شرکت و در نتیجه سبب کاهش نوسان‌های بازده سهام می‌شود و در نهایت منجر به کاهش ریسک سرمایه‌گذاری می‌شود [۱۱].

بنابراین کیفیت حسابرسی انجام شده که متأثر از نوع حسابرسی، اندازه حسابرس، تداوم حسابرس و کیفیت اقلام تعهدی (معیارهای چرخش اجباری حسابرس) است می‌تواند حداقل به دو صورت با کارایی بازار سرمایه مرتبط باشد: اول اینکه، اغلب این موضوع بحث شده است که کیفیت حسابرسی، با توجه به کم کردن عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه‌گذاران، موجب کاهش هزینه‌های انتخاب ناسازگار می‌شود [۱۲]. از سوی دیگر، وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه‌گذاران، می‌تواند باعث شود تا تأمین‌کنندگان سرمایه شرکت، قیمت سهام را کاهش و هزینه تأمین مالی شرکت را افزایش دهند، زیرا سرمایه‌گذاران این‌گونه استنباط می‌کنند که شرکت‌هایی که در حال تأمین مالی هستند، به شیوه‌ای نامناسب عمل می‌کنند [۱۳]. بنابراین، اگر کیفیت حسابرسی، هزینه‌های انتخاب ناسازگار را کاهش دهد، می‌تواند کارایی سرمایه‌گذاری را با کاهش هزینه‌های تأمین مالی بهبود بخشد.

قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری نیز سعی در تدوین قوانینی دارند تا استقلال حسابرسان را بهبود بخشند. در ایران می‌توان به تصویب تبصره ۲ بند ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار که در تاریخ ۸ مرداد ۱۳۸۶ به تصویب شورای عالی بورس اوراق بهادار رسید، اشاره کرد که تغییر حسابرس مستقل را در فاصله زمانی ۴ ساله الزامی کرده است. این قانون نیز همانند دیگر قوانین وضع گردیده موافقان و مخالفان خود را داشته است. موافقان تغییر اجباری حسابرس بر این عقیده هستند که حسابرسان بعد از حضور طولانی‌مدت در کنار یک صاحب‌کار به دلیل وابستگی‌های اقتصادی، انگیزه بیشتری برای حفظ صاحب‌کار و پذیرش دیدگاه‌ها و خواسته‌های وی خواهند داشت که این امر استقلال آن‌ها را مخدوش می‌کند. به اعتقاد آن‌ها دوره تصدی طولانی باعث ایجاد یک سری روابط

عاطفی می شود تا حدی که احساس وفاداری در حسابرسان ایجاد می کند و بدین ترتیب استقلال آن ها را به خطر می اندازد. مخالفان چرخش اجباری، شاید این دیدگاه را تأیید کنند اما آن ها اعتقاد دارند مخارج اجرا و اعمال این قانون بیش از منافع آن است. از طرفی، آن ها استدلال می کنند که عوامل دیگری نظیر نیاز به حفظ اعتبار و شهرت و ترس از طرح دعاوی حقوقی علیه آن ها وجود دارد که حسابرسان را وادار به حفظ استقلال می کند. در همین راستا انجام تحقیقی با موضوع بررسی تأثیر اطلاعات چرخش حسابرس بر واکنش بازار و سرمایه گذاران در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران می تواند بر اهمیت چرخش یا عدم چرخش حسابرسان در بازار سرمایه کشور کمکی شایان توجهی نماید. لورن رید و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی تأثیر واکنش سرمایه گذاران به چرخش اجباری حسابرس پرداختند. نتایج تأیید می کنند که بازار به رویدادهایی که احتمال چرخش را می افزایند (می کاهند) واکنش منفی (مثبت) نشان می دهد، هرچند این نتایج نسبت به شاخص بازار که برای محاسبه بازده غیرعادی به کار می رود حساسیتی نشان نمی دهد. مهم تر از این، به طور خاص با توجه به نبود گروه شاهدی مختص آمریکا، آزمون های مقطعی تأیید می کنند که با در نظرگیری سابقه تصدی طولانی تری برای حسابرسان، واکنش بازار به تاریخ هایی که احتمال چرخش را می افزایند (می کاهند) منفی تر (مثبت تر) خواهد بود. افزون بر این، ما نیز با در نظرگیری حسابرسی چهار بزرگ دریافتیم که واکنش بازار نسبت به تاریخ هایی که احتمال چرخش شرکت را می افزایند (می کاهند) منفی تر (مثبت تر) است [۱۴]. اشنايدر (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی تأثیر تعویض حسابرس بر میزان سرمایه گذاری و ریسک سرمایه گذاری پرداختند. آن ها در این تحقیق دریافتند شرکت هایی که حسابرس خود را تعویض می کنند دارای ارزیابی میزان ریسک بالاتر و مبالغ سرمایه گذاری شده پایین تری هستند. دیوید و دنیس (۲۰۱۴) در تحقیقی به بررسی رابطه بین انعطاف پذیری مالی و سرمایه گذاری واحد اقتصادی پرداختند. آن ها در این تحقیق دریافتند که یکی از عواملی که سرمایه گذاران به آن واکنش مثبت نشان می دهند انعطاف پذیری مالی است. در ادامه آن ها به این نتیجه رسیدند که بین انعطاف پذیری مالی و میزان سرمایه گذاری، نرخ رشد سرمایه گذاری، حساسیت جریان نقدی ناشی از سرمایه گذاری، نسبت جریان های نقدی انباشته و بازدهی مورد انتظار ناشی از سرمایه گذاری ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. الاستیر و همکاران (۲۰۱۱) به مطالعه این موضوع پرداختند که آیا می توان تفاوت کیفیت حسابرسی چهار موسسه بزرگ در مقابل چهار موسسه غیر بزرگ را به مشخصات صاحب کاران نسبت داد؟ در این بررسی از موضوعات کیفیت حسابرسی، اقلام تعهدی اختیاری، هزینه حقوق صاحبان سهام پیش بینی شده و صحت پیش بینی تحلیل گر استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که تفاوت در این موارد بین چهار موسسه بزرگ و چهار موسسه غیر بزرگ حسابرسان تا حد زیادی با خصوصیات صاحب کاران و به طور خاص با اندازه صاحب کار منطبق است [۱۵].

گول و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی تأثیر تخصص حسابرس در صنعت بر رابطه بین دوره ابقای حسابرس و کیفیت سود می پردازند. نتایج این تحقیق نشان می دهد رابطه بین دوره کوتاه مدت ابقای حسابرس و کیفیت ضعیف تر سود برای صاحب کارانی که توسط حسابرسان متخصص صنعت رسیدگی می شوند نسبت به دیگران، ضعیف تر است [۱۶]. باغبانی و بهبودی (۱۳۹۵) به بررسی عوامل مؤثر بر بروز رفتار سرمایه گذاران با رویکرد پدیدارنگاری پرداختند. داده های حاصل از مصاحبه ها با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد تحلیل قرار گرفت که بر اساس آن پرسشنامه پژوهش طراحی شد. در این قسمت با بهره گیری از استراتژی پیمایش، تعداد ۵۰۰ پرسشنامه به صورت نمونه گیری در دسترس توزیع، که ۳۱۶ پرسشنامه تکمیل و جمع آوری شد.

فرضیه چهارم: شرکت هایی که در شرایط فعلی یک حسابرسی با کیفیت پایین تر دریافت کرده اند، احتمالاً بازده غیرعادی مثبت (منفی) را در ارتباط با وقایعی که احتمال چرخش اجباری حسابرس را افزایش (کاهش) می دهد، تجربه خواهند کرد.

روش پژوهش

با توجه به هدف تحقیق، روش تحقیق توصیفی می باشد. روش تحقیق توصیفی شامل مجموعه روش هایی است که هدف آن توصیف کردن شرایط یا پدیده های مورد بررسی است. اجرای تحقیق توصیفی می تواند برای شناخت شرایط موجود یا کمک کردن به فرایند تصمیم گیری باشد. یکی از انواع روش های تحقیق توصیفی، تحقیق همبستگی می باشد. در این روش رابطه میان متغیرها بر اساس هدف تحقیق تحلیل می شود. این تحقیق از نوع کاربردی و توصیفی پس رویدادی است و برای آزمون فرضیه های پژوهشی از رگرسیون چند متغیره استفاده خواهد شد.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۸۹ می باشد. نمونه پژوهش شامل شرکت هایی است که دارای ویژگی های زیر باشند:
باید تا قبل از سال ۱۳۸۹ در سازمان بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
سال مالی آن ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.

در دوره مورد بررسی تغییر دوره مالی نداشته باشند.
شرکت های سرمایه گذاری، واسطه گری های مالی، بانک ها و شرکت های بیمه نباشند.
داده های مورد نظر آن ها در دسترس باشد.
در نهایت با توجه به این معیارها تعداد شرکت های نمونه به ۱۱۰ شرکت رسید.

ابزار گردآوری اطلاعات

داده های مربوط به فرضیه ها و متغیرهای پژوهش از طریق بانک های اطلاعاتی نرم افزار ره آورد نوین و پایگاه های اینترنتی بورس جمع آوری شده است. در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده ها و انجام آزمون فرضیه ها از نرم افزارهای آماری EViews و مینی تب استفاده شده است. همچنین برای ایجاد پایگاه داده ای مورد نیاز از نرم افزار Excel استفاده شده است.

مدل تحقیق و متغیرهای آن

به منظور آزمون فرضیه های اصلی اول تا چهارم این پژوهش پیرو تحقیق رید و کارسلو (۲۰۱۶) از مدل های رگرسیونی زیر استفاده شده است. بدین منظور برای آزمون فرضیه اول از مدل (۱)، برای آزمون فرضیه دوم از مدل (۲)، برای آزمون فرضیه سوم از مدل (۳) و برای آزمون فرضیه چهارم از مدل (۴) استفاده خواهد شد:

مدل (۱)

$$PacificAR_{it} = \beta_0 + \beta_1 Expert_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 MTB_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 GROWTH_{it} + \beta_7 InstOwn_{it} + \beta_8 INDUSTRY_{it} + \beta_9 YEARE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲)

$$PacificAR_{it} = \beta_0 + \beta_1 Tenure_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 MTB_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 GROWTH_{it} + \beta_7 InstOwn_{it} + \beta_8 INDUSTRY_{it} + \beta_9 YEARE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۳)

$$PacificAR_{it} = \beta_0 + \beta_1 Big_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 MTB_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 GROWTH_{it} + \beta_7 InstOwn_{it} + \beta_8 INDUSTRY_{it} + \beta_9 YEARE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۴)

$$PacificAR_{it} = \beta_0 + \beta_1 AbsAccr_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 MTB_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 GROWTH_{it} + \beta_7 InstOwn_{it} + \beta_8 INDUSTRY_{it} + \beta_9 YEARE_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته و نحوه محاسبه آن: بازده غیرعادی

در این پژوهش واکنش سرمایه گذاران متغیر وابسته است. پیرو پژوهش آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۰) و جوس و لیونگ (۲۰۱۳) از بازده غیرعادی سالانه به عنوان شاخصی برای اندازه گیری واکنش سرمایه گذاران استفاده شده است. بازده غیرعادی سهام ($PacificAR_{it}$) از تفاوت بازده بازار با بازده واقعی سهام شرکت به دست می آید (هموس و اینگا، ۲۰۱۵). طبق استدلال محققان استفاده از نرخ بازده بازار به عنوان معیاری برای محاسبه بازده غیرعادی، ضمن اینکه ساده و آسان است، نتایج حاصل از آن با نتایج حاصل از به کارگیری مدل های چندعاملی مانند مدل سه عاملی فاما و فرنچ (۱۹۹۲) و مدل های مشابه دیگر تفاوتی ندارد. طبق این مدل، تفاضل بازده واقعی شرکت i در دوره زمانی t با بازده بازار در همان دوره را به عنوان بازده غیرعادی سهام شرکت i در دوره t در نظر می گیریم:

$$ar_{it} = r_{it} - r_{mt} \quad (1)$$

ar_{it} : نرخ بازده غیرعادی (تعدیل شده نسبت به بازده بازار) سهام شرکت i در سال t ؛

r_{it} : نرخ بازده بازار شرکت i در سال t ؛

r_{mt} : نرخ بازده بازار در سال t .

برای محاسبه نرخ بازده سهام در صورتی که شرکت هیچ گونه افزایش سرمایه و تجزیه سهام نداشته باشد از رابطه (۲) استفاده می کنیم:

$$r_{it} = \frac{P_{it} - P_{io}}{P_{io}} \quad (2)$$

P_{it} = میانگین قیمت سهام شرکت i در پایان سال t ؛

P_{io} = میانگین قیمت سهام شرکت i در ابتدای سال t ؛

برای محاسبه نرخ بازده بازار سالانه، از رابطه (۳) استفاده می کنیم:

$$r_{mt} = \frac{I_{mt} - I_{m0}}{I_{m0}} \quad (3)$$

r_{mt} = نرخ بازده بازار در سال t

I_{mt} = شاخص کل بورس در سال t

I_{m0} = شاخص کل بورس در ابتدای سال t هر یک از شرکت های مورد مطالعه

متغیر مستقل و نحوه محاسبه آن: چرخش اجباری حسابرس

در این پژوهش، چهار متغیر تخصص حسابرس در صنعت، دوره تصدی حسابرس، اندازه حسابرس و اقلام تعهدی اختیاری (طبق مدل جونز تعدیل شده) به عنوان معیار چرخش اجباری مؤسسه حسابرسی استفاده شده است.

مدل اول-فرضیه اول:

حسابرس متخصص در صنعت ($Expert_{it}$): اگر حسابرس متخصص صنعت باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را اختیار می کند. پژوهش های پیشین بیان کرده اند که حسابرسانی که متخصص صنعت هستند، نسبت به حسابرسانی که متخصص صنعت نیستند، خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتری را ارائه می نمایند و رابطه مثبتی بین تخصص صنعت حسابرس و معیارهای مستقیم و غیرمستقیم کیفیت حسابرسی مشاهده شده است (دلویث-۲۰۱۰). در این تحقیق، از سهم بازار به عنوان شاخصی برای اندازه گیری تخصص صنعت حسابرس بهره گرفته می شود، زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می دهد. هرچه سهم بازار حسابرس بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرس نسبت به سایر رقبا بالاتر است. داشتن سهم بالای بازار (سهم غالب بازار) همچنین به این نکته اشاره دارد که حسابرس به طور موفقیت آمیزی خودش را از سایر رقبا از لحاظ کیفیت حسابرسی متمایز می کند. سهم بازار مؤسسه حسابرسی به صورت زیر حساب می شود:

$$MS_{ik} = \frac{\sum_{j=1}^{J_{ik}} TA_{ijk}}{\sum_{j=1}^{I_k} \sum_{j=1}^{J_{ik}} TA_{ijk}} \quad (1)$$

مجموع دارایی های تمام صاحب کاران هر مؤسسه حسابرسی خاص در صنعت خاص؛

مجموع دارایی های تمام صاحب کاران در این صنعت.

سپس شرکت هایی که سهم بازار آنها بیش از $\{1/2\} * (\text{شرکت های موجود در صنعت مورد نظر}/1)$ باشد، به عنوان حسابرسان متخصص در صنعت در نظر گرفته شده اند (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۸).

مدل دوم-فرضیه دوم:

دوره تصدی حسابرس ($Tenure_{it}$): تصدی حسابرس در این پژوهش به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. اگر دوره تصدی

حسابرس ۳ سال و یا بیشتر باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را می پذیرد.

مدل سوم - فرضیه سوم:

اندازه حسابرس (Big_{it}): یکی از متغیرهای اندازه گیری کیفیت حسابرسی است. مهم ترین شاخص کمی اندازه گیری کیفیت حسابرس،

اندازه حسابرس است که این دو با هم رابطه مستقیم دارند، به طوری که هرچه اندازه حسابرس بزرگتر باشد، کیفیت حسابرسی هم بالاتر خواهد

بود. برای محاسبه اندازه حسابرس از یک متغیر مجازی استفاده شده است. اگر حسابرس شرکت مورد بررسی سازمان حسابرسی باشد عدد یک

و در غیر این صورت عدد صفر را اختیار می کند.

مدل چهارم-فرضیه چهارم:

اقدام تعهدی اختیاری ($Ab s A c c r_{it}$): ارزش مطلق اقدام تعهدی اختیاری، به عنوان یک پروکسی برای کیفیت حسابداری اشاره می کند (معیار کیفیت حسابداری). از آنجایی که اقدام تعهدی اختیاری در اختیار و قابل اعمال نظر توسط مدیریت است، از تعهدی های اختیاری به عنوان شاخصی در کشف مدیریت سود استفاده می شود [۲۱]. بنابراین در این پژوهش از الگوی تعدیل شده جونز برای بررسی مدیریت سود استفاده شده است. در الگوی یادشده در اولین قدم ارتباط مجموع اقدام تعهدی برای یک دوره زمانی مشخص که به دوره رویداد معروف است با متغیرهای فروش، ناخالص اموال و ماشین آلات و تجهیزات به شرح زیر برآورد می شود:

$$\frac{TA_{it}}{A_{i(t-1)}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{i(t-1)}} \right) + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

در این رابطه TA_{it} معرف مجموع اقدام تعهدی است که برابر است با خالص جریان وجه نقد عملیاتی پس از کسر سود خالص. همچنین، $A_{i(t-1)}$ مجموع دارایی های شرکت در سال قبل، ΔREV_{it} تفاوت فروش سال جاری نسبت به سال قبل و PPE_{it} اموال، ماشین آلات و تجهیزات ناخالص و ε_{it} خطای برآورد و $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$ پارامترهای خاص شرکت است. پس از تخمین پارامترهای الگوی شماره (۱)، اقدام تعهدی غیراختیاری (NDA) برای دوره رویداد در سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ به شرح زیر برای "دوره برآورد" محاسبه می گردند.

$$NDA_{it} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{i(t-1)}} \right) \quad (2)$$

در مدل فوق ΔREC_{it} معرف تغییر در خالص حساب های دریافتی سال جاری نسبت به سال قبل است. در مرحله آخر اقدام تعهدی اختیاری (DA_{it}) به شرح زیر محاسبه می شود:

$$DA_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{i(t-1)}} - NDA_{it} \quad (3)$$

متغیر کنترلی و نحوه محاسبه آن

۱- اندازه شرکت ($SIZE_{it}$): متغیر اندازه شرکت، که برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت t در سال t .

۲- اهرم مالی (LEV_{it}): شاخص اهرم مالی شرکت t در سال t که برابر است با نسبت بدهی ها به دارایی ها.

۳- نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (MTB_{it}): برابر است با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.

۴- نرخ بازده دارایی ها (ROA_{it}): نمایانگر نسبت سود خالص به دارایی های شرکت t در سال t و شاخصی برای محاسبه نرخ بازده دارایی ها می باشد.

۵- رشد شرکت ($GROWTH_{it}$): نمایانگر رشد فروش شرکت است و برابر است با فروش در سال t منهای فروش در سال $t-1$ تقسیم بر فروش در سال $t-1$.

۶- درصد مالکیت سهامداران نهادی ($InstOwn_{it}$): برابر است با درصد مالکیت سهامداران نهادی شرکت t در سال t . مالکان نهادی عبارت است از شرکت های سرمایه گذاری، بانک ها، شرکت های تأمین سرمایه، هلدینگ ها، صندوق های سرمایه گذاری و ... است.

۷- نوع صنعت ($INDUSTRY_{it}$): متغیر کنترلی نوع صنعت است که برای در نظر گرفتن اثرات تصادفی نوع صنعت در مدل لحاظ شده است.

۸- متغیر سال شرکت ($YEARE_{it}$): متغیر کنترلی سال است که برای در نظر گرفتن اثرات تصادفی سال در مدل لحاظ شده است.

یافته‌ها

ابتدا آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای این تحقیق ارائه می‌شود. خلاصه‌ای از آماره‌های توصیفی در جدول ۱ نشان داده شده است. در این تحقیق داده‌های مرتبط با ۱۱۰ شرکت در ۶ سال مختلف (۸۹ تا ۹۴) از بورس اوراق بهادار تهران جمع‌آوری شده است. آماره‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار، کوچک‌ترین مقدار و بزرگ‌ترین مقدار) متغیرهای این تحقیق در نگاره ۱ آمده است. آمار توصیفی، ارقام مربوط به شاخص‌های پراکندگی و مرکزی را نشان می‌دهد. آگاهی از آماره‌های توصیفی گامی در جهت درک میانگین روند داده‌ها و ارتباطات بین آن‌ها و نیز بررسی تقریبی وضعیت توزیع می‌باشد.

جدول ۱- آماره توصیفی

درصد مالکیت سهامداران نهادی	رشد شرکت	نرخ بازده دارایی‌ها	نسبت ارزش بازار به دفتری	اهرم مالی	اندازه شرکت	اقدام تعهدی اختیاری	اندازه حسابرس	دوره تصدی حسابرس	حسابرس متخصص در صنعت	بازده غیر عادی سهام	میانگین
0.63	0.12	0.21	1.25	0.63	17.25	0.11	0.32	0.25	0.30	0.08	0.08
0.16	0.03	0.05	0.31	0.16	15.36	0.08	1.00	0.00	1.00	0.04	0.04
0.95	0.45	0.65	2.36	0.95	29.66	0.18	1.00	1.00	1.00	0.45	0.45
0.03	-0.05	-0.02	0.04	0.03	12.36	-0.36	0.00	0.00	0.00	-0.09	-0.09
0.22	0.15	0.16	0.21	0.22	0.10	0.05	0.08	0.15	0.14	0.05	0.05
2.94	2.94	-3.92	3.92	2.94	-0.98	2.94	0.00	0.00	0.00	-1.96	-1.96
4.50	2.70	3.60	4.50	4.50	-0.90	-0.90	0.00	0.00	0.00	-0.90	-0.90
660	660	660	660	660	660	660	660	660	660	660	660

در ادامه برای انتخاب از بین روش‌های الگوهای رگرسیونی پانل و الگوی داده‌های مشترک از آزمون لیمر استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- نتایج آزمون F لیمر

مدل پژوهش	آماره	مقدار آماره	درجه آزادی	سطح خطا	روش پذیرفته شده
مدل اول	آماره F	۰,۵۵	(109,384)	۰,۲۵	روش داده‌های مشترک
مدل دوم	آماره F	۰,۲۵	(109,211)	0.39	روش داده‌های مشترک
مدل سوم	آماره F	۰,۸۷	(109,511)	0.45	روش داده‌های مشترک
مدل چهارم	آماره F	۰,۷۹	(109,251)	0.74	روش داده‌های مشترک

جدول ۳ نتایج حاصل از تخمین فرضیات اصلی پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۳- خلاصه آزمون فرضیات اول تا چهارم

فرضیه چهارم			فرضیه سوم			فرضیه دوم			فرضیه اول			شرح	نوع متغیر
سطح معنی داری	آماره تی استیودنت	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	آماره تی استیودنت	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	آماره تی استیودنت	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	آماره تی استیودنت	ضریب همبستگی		
*	*	*	*	*	*	*	*	*	0.03	2.24	0.04	حسابرس متخصص	مستقل مدل ۱
*	*	*	*	*	*	0.38	0.88	0.00	*	*	*	دوره تصدی حسابرس	مستقل مدل ۲
*	*	*	0.25	2.01	1.84	*	*	*	*	*	*	اندازه حسابرس	مستقل مدل ۳
0.00	14.79	0.29	*	*	*	*	*	*	*	*	*	اقلام تعهدی اختیاری	مستقل مدل ۴
0.00	(6.72)	(0.19)	0.27	(1.11)	(0.09)	0.00	(9.50)	(1.05)	0.00	5.87	0.08	اندازه شرکت	کنترل
0.00	14.22	0.90	0.01	2.67	0.45	0.00	4,44	4.78	0.00	3.03	0.11	اهرم مالی	کنترل
0.71	0.37	0.00	0.60	0.52	0.00	0.05	1.99	0.02	0.00	27.45	0.04	M/B	کنترل
0.50	0.68	0.00	0.35	0.94	0.04	0.01	2.59	0.16	0.00	12, 63	0.07	نرخ بازده دارایی ها	کنترل
0.09	(1.67)	(0.02)	0.34	(0.95)	(0.05)	0.77	0.30	0.02	0.99	0.01	0.00	رشد شرکت	کنترل
0.00	(3.50)	(0.04)	0.39	(0.85)	(0.01)	0.60	(0.53)	(0.00)	0.00	(7,84)	(0.62)	درصد مالکیت سهامداران نهادی	کنترل
0.92			0.89			0.76			0.56			ضریب تعبی تعدیل شده	
1.77			2.12			1.80			2.19			دوربین واتسون	

تحلیل فرضیه اول (تأثیر حسابرِس متخصص در صنعت):

نتایج حاصل از برآزش مدل رگرسیونی داده‌های ترکیبی با در نظر گرفتن بازده غیرعادی سهام به‌عنوان متغیر وابسته و حسابرِس متخصص در صنعت به‌عنوان متغیر مستقل، نشان می‌دهد که ضریب تعیین تعدیل شده (0/56) می‌باشد و بدین معنی می‌باشد که متغیرهای توضیحی توانایی پیش‌بینی متغیر وابسته را به میزان 56 درصد دارد و این ضریب نشان‌دهنده کارایی مدل می‌باشد. علاوه براین به منظور بررسی همبستگی جملات خطا باید به میزان آماره دوربین واتسون توجه نمود که در این جا مقدار آن به میزان (2.19) می‌باشد. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آماره F کمتر از 0/05 می‌باشد، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که متغیرهای مستقل و کنترل دارای رابطه خطی با متغیر وابسته مدل و یا معنی‌داری مدل می‌باشد.

با توجه به اینکه ضریب حسابرِس متخصص در صنعت مثبت است و سطح معنی‌داری آماره تی کمتر از سطح خطای پنج درصد می‌باشد پس متغیر حسابرِس متخصص در صنعت دارای رابطه مثبت و معنی‌داری با بازده غیرعادی سهام می‌باشد که می‌توان گفت فرضیه فرعی اول تحقیق تأیید می‌شود.

تحلیل فرضیه دوم (تأثیر دوره تصدی حسابرِس)

ضریب تعیین تعدیل شده (0/76) می‌باشد مقدار آماره دوربین واتسون به میزان (1.80) می‌باشد و سطح معنی‌داری آماره F کمتر از 0/05 می‌باشد.

با توجه به اینکه ضریب دوره تصدی حسابرِس مثبت است و سطح معنی‌داری آماره تی بیشتر از سطح خطای پنج درصد می‌باشد پس متغیر دوره تصدی حسابرِس فاقد رابطه معنی‌داری با بازده غیرعادی سهام می‌باشد که می‌توان گفت فرضیه فرعی دوم تحقیق رد می‌شود. تحلیل فرضیه سوم (تأثیر اندازه حسابرِس)

ضریب تعیین تعدیل شده (0/89) می‌باشد و مقدار آماره دوربین واتسون به میزان (2.12) می‌باشد. سطح معنی‌داری آماره F کمتر از 0/05 می‌باشد.

با توجه به اینکه ضریب اندازه حسابرِس مثبت است و سطح معنی‌داری آماره تی بیشتر از سطح خطای پنج درصد می‌باشد پس متغیر اندازه حسابرِس فاقد رابطه معنی‌داری با بازده غیرعادی سهام می‌باشد که می‌توان گفت فرضیه فرعی سوم تحقیق رد می‌شود.

تحلیل فرضیه چهارم (تأثیر اقلام تعهدی اختیاری)

ضریب تعیین تعدیل شده (0/92) می‌باشد به منظور بررسی همبستگی جملات خطا باید به میزان آماره دوربین واتسون توجه نمود که در این جا مقدار آن به میزان (1.77) می‌باشد. سطح معنی‌داری آماره F کمتر از 0/05 می‌باشد.

با توجه به اینکه ضریب اقلام تعهدی اختیاری مثبت است و سطح معنی‌داری آماره تی کمتر از سطح خطای پنج درصد می‌باشد پس متغیر اقلام تعهدی اختیاری دارای رابطه مثبت و معنی‌داری با بازده غیرعادی سهام می‌باشد که می‌توان گفت فرضیه فرعی چهارم تحقیق تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

موافقان تغییر اجباری حسابرس بر این عقیده هستند که حسابرسان بعد از حضور طولانی مدت در کنار یک صاحب کار به دلیل وابستگی های اقتصادی، انگیزه بیشتری برای حفظ صاحب کار و پذیرش دیدگاه ها و خواسته های وی خواهند داشت که این امر استقلال آن ها را مخدوش می کند. به اعتقاد آن ها دوره تصدی طولانی باعث ایجاد یک سری روابط عاطفی می شود تا حدی که احساس وفاداری در حسابرسان ایجاد می کند و بدین ترتیب استقلال آن ها را به خطر می اندازد. مخالفان چرخش اجباری، شاید این دیدگاه را تأیید کنند اما آن ها اعتقاد دارند مخارج اجرا و اعمال این قانون بیش از منافع آن است. از طرفی، آن ها استدلال می کنند که عوامل دیگری نظیر نیاز به حفظ اعتبار و شهرت و ترس از طرح دعوی حقوقی علیه آن ها وجود دارد که حسابرسان را وادار به حفظ استقلال می کند. در همین راستا انجام تحقیقی با موضوع بررسی تأثیر اطلاعات چرخش حسابرس بر واکنش بازار و سرمایه گذاران در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران می تواند بر اهمیت چرخش یا عدم چرخش حسابرسان در بازار سرمایه کشور کمکی شایان توجهی نماید. هدف اصلی از این تحقیق این است که آیا سرمایه گذاران با تغییر حسابرس و چرخش حسابرسان شرکت موافق هستند یا خیر. در اینجا تأکید بر وقایعی است منجر به چرخش اجباری حسابرسان می شود.

به طور کلی، در ارتباط با تأثیر کیفیت حسابرسی بر ریسک سرمایه گذاری استدلال می شود، که افزایش کیفیت حسابرسی سبب افزایش شفافیت و کیفیت افشای اطلاعات در سطح محیط اطلاعاتی شرکت می شود. افزایش شفافیت اطلاعاتی سبب کاهش عدم قطعیت در ارتباط با سهام شرکت و در نتیجه سبب کاهش نوسان های بازده سهام می شود و در نهایت منجر به کاهش ریسک سرمایه گذاری می شود.

بنابراین کیفیت حسابرسی انجام شده که متأثر از نوع حسابرس، اندازه حسابرس، تداوم حسابرس و کیفیت اقلام تعهدی (معیارهای چرخش اجباری حسابرس) است می تواند حداقل به دو صورت با کارایی بازار سرمایه مرتبط باشد: اول اینکه، اغلب این موضوع بحث شده است که کیفیت حسابرسی، با توجه به کم کردن عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه گذاران، موجب کاهش هزینه های انتخاب ناسازگار می شود. از سوی دیگر، وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه گذاران، می تواند باعث شود تا تأمین کنندگان سرمایه شرکت، قیمت سهام را کاهش و هزینه تأمین مالی شرکت را افزایش دهند، زیرا سرمایه گذاران این گونه استنباط می کنند که شرکت هایی که در حال تأمین مالی هستند، به شیوه ای نامناسب عمل می کنند، بنابراین، اگر کیفیت حسابرسی، هزینه های انتخاب ناسازگار را کاهش دهد، می تواند کارایی سرمایه گذاری را با کاهش هزینه های تأمین مالی بهبود بخشد.

نتایج آزمون چهار فرضیه فرعی تحقیق نشان می دهد که بین حسابرس متخصص در صنعت و کیفیت حسابرسی با بازده غیرعادی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و این دو معیار چرخش اجباری حسابرس با بازده غیرعادی رابطه معنی داری دارند و دوره تصدی حسابرس و اندازه حسابرس تأثیری بر انتظارات سرمایه گذاران و واکنش آنان به بازار سهام و در نهایت بازده غیرعادی ندارد. تاکنون در ایران و در سایر کشورها به جز تحقیق لورن راید و همکاران (۲۰۱۶) در ارتباط مستقیم با موضوع صورت نگرفته است اما در ادامه تحقیقات مشابه و مقایسه نتایج آمده است [۱۴].

لورن راید و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی تأثیر واکنش سرمایه گذاران به چرخش اجباری حسابرس پرداختند. نتایج تأیید می کنند که بازار به رویدادهایی که احتمال چرخش را می افزایشند (می کاهند) واکنش منفی (مثبت) نشان می دهد، هرچند این نتایج نسبت به شاخص بازار که برای محاسبه بازده غیرعادی به کار می رود، حساسیتی نشان نمی دهد. نتایج تحقیق حاضر با توجه به دو معیار تخصص در صنعت و کیفیت حسابرسی مطابق تحقیق آنان می باشد چرا که هر چه احتمال چرخش افزایش یابد انتظارات سرمایه گذاران بهتر شکل می گیرد و بازده غیرعادی افزایش می یابد و در نتیجه واکنش شدید بازار کاهش می یابد [۱۴].

اشنایدر (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی تأثیر تعویض حسابرس بر میزان سرمایه گذاری و ریسک سرمایه گذاری پرداختند. آن ها در این تحقیق دریافتند شرکت هایی که حسابرس خود را تعویض می کنند دارای ارزیابی میزان ریسک بالاتر و مبالغ سرمایه گذاری شده پایین تری هستند. نتیجه این تحقیق از جهت افزایش ریسک در نتیجه تغییر حسابرس مشابه تحقیق حاضر می باشد یعنی هر چه احتمال چرخش حسابرس کمتر شود ریسک سرمایه گذاری کاهش می یابد که نتیجتاً بازده بیشتر را به دنبال دارد.

به طور کلی نتیجه این تحقیق همانند تحقیقات صورت گرفته پیرامون موضوع انتظارات سرمایه گذاران و واکنش آنان به بازار و بازده غیرعادی شرکت مؤید بی تفاوت بودن نسبی آنان نسبت به تغییر حسابرس یا احتمال تغییر حسابرس می باشد. دلیل این نتیجه گیری این است که دوره تصدی و اندازه حسابرس بدون تأثیر معنی داری بر بازده غیرعادی به عنوان نشانگر رفتار سرمایه گذاران می باشد در حالی که کیفیت حسابرسی و تخصص حسابرس باعث افزایش بازده غیرعادی می شود که نشان می دهد سرمایه گذاران تنها به کیفیت حسابرسی صورت گرفته اهمیت می دهند و توجهی به موسسه یا اندازه آن نمی نمایند.

پیشنهادهای کاربردی بر اساس یافته‌های تحقیق

سازمان بورس اوراق بهادار، سازمان حسابرسی، مؤسسات حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی، سرمایه‌گذاران، دانشگاهیان و سایر مراجع تدوین‌کننده قوانین و مقررات از جمله استفاده‌کنندگان از نتایج این تحقیق می‌باشند. برای این گروه‌ها پیشنهادهای به شرح زیر ارائه می‌شود:

توصیه می‌شود که استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی، به‌ویژه سرمایه‌گذاران در هنگام تصمیم‌گیری بر اساس اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی، در سال تغییر و دوره‌های پیرامون تغییر حسابرسی، انگیزه‌های مدیریت از تغییر حسابرسی را مدنظر قرار دهند.

برخی از استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی فاقد آگاهی کافی در خصوص کیفیت حسابرسی بوده و شناخت مناسبی از مؤسسات حسابرسی با کیفیت ندارند. با توجه به افشای رتبه کنترل کیفیت مؤسسات حسابرسی در سایت جامعه حسابداران رسمی، استفاده‌کنندگان می‌توانند از این طریق برخی اطلاعات لازم در خصوص کیفیت کاری مؤسسات حسابرسی را کسب نمایند.

افشای دلیل تغییر حسابرسی توسط شرکت‌ها و حسابرسان، نه تنها اتهامات وارد به حرفه حسابرسی را از بین می‌برد و موجب افزایش اعتبار این حرفه می‌شود، بلکه به درک بهتر تقاضا برای خدمات حسابرسی، بهبود و ارتقای خدمات حسابرسی و افزایش استقلال حسابرسی نیز کمک می‌کند. از این رو، با توجه به رشد روزافزون موسسه‌های حسابرسی کوچک در کشور و وجود ابهاماتی در مورد کیفیت کار آن‌ها و با توجه به این‌که هیچ‌گونه قوانین الزام‌آوری در کشور برای افشای تغییر حسابرسی وجود ندارد و افشائی توسط شرکت‌ها از این بابت صورت نمی‌پذیرد، پیشنهاد می‌شود که: سازمان بورس، شرکت‌ها را ملزم به افشای عمومی دلیل تغییر حسابرسی کند. جامعه حسابداران رسمی ایران نیز از حسابرسان عضو جامعه بخواهد که هم حسابرسی قبلی و هم حسابرسی جانشین، دلیل تغییر و جابه‌جایی را ارائه کنند. هر چند در ماده ۲۱ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس بیان شده "در صورت تغییر حسابرسی مستقل و بازرسی قانونی، موسسه حسابرسی معتمد جانشین موظف است طبق آیین‌نامه رفتار حرفه‌ای با حسابرسی قبلی مکاتبه و دلیل تغییر حسابرسی و بازرسی قانونی را استعلام نموده و نتیجه را به سازمان اطلاع دهد" لیکن افشای عمومی دلیل تغییر حسابرسی ضروری به نظر می‌رسد.

موضوع کیفیت حسابرسی، دلایل و عوامل مؤثر بر تغییر حسابرسی، برنامه‌ها و دستورالعمل‌های حسابرسی مؤثر و کارآمد نیز از جمله مواردی هستند که شناخت و آشنایی مناسب با آن‌ها ضرورت دارد. از طرفی چرخش اجباری حسابرسان و تأثیر آن بر پارامترهایی مانند استقلال، کیفیت، محافظه‌کاری، هزینه‌های حسابرسی، رقابت و بازار سرمایه از موضوعات مهم در دهه‌های اخیر بوده است. لذا به افراد و نهادهایی که متولی امر آموزش هستند پیشنهاد می‌گردد که این موضوعات اشاره شده را در امر آموزش مدنظر قرار دهند.

منابع و مراجع

- [۱] کمیته فنی سازمان حسابرسی (۱۳۸۶)، استانداردهای حسابداری، تهران، سازمان حسابرسی.
- [2] Bushman, R. M., Piotroski. J. D., Smith, A., J. (2003). What Determines Corporate Transparency? Available at www.SSRN.com.
- [3] Lin Z. Jun and Liu Ming (2009). "The Determinants of Auditor Switching from the Perspective of Corporate Governance in China" *Corporate Governance: An International Review*.
- [۴] احمدزاده، طه (۱۳۹۵) چرخش اجباری حسابرِس، فصل نامه پژوهش حسابداری، مقاله ۲، دوره ۶، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۵، صفحه ۱۷-۴۰.
- [۵] طبری، حسین، بشیری منش، نازنین (۱۳۹۲) اثر کیفیت حسابرسی و تغییر حسابرِس بر بازار سرمایه، دانش حسابداری و حسابداری مدیریت، مقاله ۶، دوره ۲، شماره ۶، تابستان ۱۳۹۲، صفحه ۶۵-۷۶.
- [6] kend Michael. (2008). Client industry audit expertise: towards a better understanding, *Pacific Accounting Review*, Vol. 20, PP. 49-62.
- [7] Dan li. (2010). Does auditor tenure affect accounting conservatism? Further evidence. *J.Accounting. Public policy* 29, 226-241.
- [8] Willenborg, M. (2002). "Discussion of brand name audit pricing, industry specialization, and leadership premiums post-big 8 and 6 mergers", *Journal of Accounting and Economics*, 33: pp, 91-115.
- [9] Myers, J., Myers, L., and T. Omer. (2003). "Exploring the term of the auditor client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation?", *The Accounting Review* 78 (3):pp. 779-800.
- [10] Cameran, M., Di Vincenzo, D., and Merlotti, E. (2005). "The audit firm rotation rule: A review of the literature", *SDA Bocconi Research Paper*.
- [11] Pastor, L., and P. Veronesi. (2003). "Stock valuation and learning about profitability", *Journal of Finance* 58: pp, 1749-1789.
- [12] Verrecchia, R. (2001). Essays on disclosure. *Journal of Accounting and Economics*, 32, 91-180.
- [13] Myers, S. C., Majluf, N. S. (1984). Corporate financing and investment decisions when firms have information that investors do not have. *Journal of Financial Economics*, 20, 293-315.
- [14] Lauren C. Reid, Joseph V. Carcello (2016) *Investor Reaction to the Prospect of Mandatory Audit Firm Rotation*, American Accounting Association.
- [15] Alastair Lawrence, Miguel Minutti-Meza, and Ping Zhang. (2011). "Can Big 4 versus Non-Big 4 Differences in Audit-Quality Proxies Be Attributed to Client Characteristics?". *The Accounting Review* 86 (1), 259.
- [16] Gul, F.A., Fung S.Y, and Jaggi B.L. (2009). "Earning quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors", industry expertise. *Journal of Accounting and Economics*, No 47, pp: 265- 280.
- [۱۷] غیور باغبانی، سید مرتضی؛ بهبودی، امید؛ کریم پور، احمد؛ (۱۳۹۵) رابطه بین کیفیت زندگی کاری و تعهد سازمانی: نقش میانجی گری توانمندسازی کارکنان دفاتر پلیس +۱۰ خراسان جنوبی. *مجله توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی*. شماره ۴۲ علمی-ترویجی/ISC (۲۶ صفحه - از ۵۷ تا ۸۲).
- [۱۸] جوقه دوست، حجت (۱۳۹۵) "تأثیر چرخش حسابرِس و شریک حسابرسی بر تصمیمات سرمایه گذاری شرکت ها" پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- [۱۹] جهانشاد، آریتا، پور زمانی زهرا، پورخانی، مظفر (۱۳۹۵) بررسی تأثیر اطلاعات چرخش حسابرِس بر سطوح سرمایه گذاری، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، دوره ۲، شماره ۳، پاییز ۹۵، ص ۲۵۹-۲۶۹.
- [۲۰] الیزی، ابراهیم، تمیمی، محمد و شلال نژاد، حسین (۱۳۹۳) برداشت سرمایه گذاران ایرانی از استقلال حسابرِس، مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۰، تابستان.

[۲۱] مشایخی، بیتا؛ مهران، ساسان؛ مهران، کاوه، کرمی، غلامرضا، نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۱۳۸۴، شماره ۴۲، ص ۶۱-۷۴.